

قربانیان بی‌دفاع جنگ ارتجاعی داخلی - استخبارتی

گزارشگر کمیته مبارزه ... (26 سرطان 1400 خورشیدی)

شب هنگام 20 سرطان سال 1400 خورشیدی گروه طالبان بر ولسوالی مالستان ولایت غزنی به صورت وسیع از سه طرف (ولایت ارزگان، ولسوالی اجرستان و ولایت غزنی) حمله کردند. این حمله شب هنگام انبوهی از وحشت و ترس را بر مردم به وجود آورد. طالبان بر مواضع عساکر حکومت پوشالی یورش بردند، با آن که مقاومتی در مقابل آن‌ها صورت نگرفت، با آن هم تعدادی از عساکر کشته شدند و تعدادی پا به فرار گذاشتند. ولسوال و قومندان امنیه این ولسوالی نیز فرار را بر قرار ترجیح دادند. ولسوالی و روستاها همه کاملاً به تصرف طالبان در آمدند. در هر جا مقررات گشت و گذار وضع کردند، چنانچه همه خانه‌ها از سکنه خالی شده بودند و طالبان بر خانه‌های خالی حاکمیت داشتند. این گونه وضعیت بخاطر ترس و وحشتی است که طالبان بدلیل به هم‌ریختن وضعیت بد روانی که برای مردم ایجاد کرده بودند، بوجود آمده بود. مردم که خواب بر چشمان شان حرام شده بود به تعداد هزاران نفر سراسیمه به هر سو بدون کدام امکانات اولیه حرکت کردند. تعدادی به کوه‌ها پناه بردند و تعدادی به ولسوالی جاغوری سرازیر شدند. کنار جاده‌ها، مساجد و خانه‌های جاغوری مملو از بی‌جا شدگانی بود که از وحشت خشونت طالبان از خانه‌های خود فرار کرده بودند. مردم که وضعیت اقتصادی شان به چند دانه گاو و گوسفند خلاصه می‌شود و همه آن‌ها را به خاطر نجات از مرگ، به جا گذاشتند و پا به فرار جمعی گذاشتند .

همه نگران آینده زندگی شان بودند. این حکایت تلخ توده‌های ستم‌دیده می‌باشد که میان دو سنگ آسیاب قدرت‌مندان جنایت‌کار جهان همه چیز خود را از دست می‌دادند. وحشت بر همه این کوهستان سایه افکنده بود چنانچه کودکان، زنان، مردان و کهن‌سالان فاصله‌های زیادی را با پای پیاده طی می‌کردند، تا بجایی برسند. این مجموعه‌ی بی‌دفاع هیچ‌گونه پناه‌گاه را سراغ نداشتند. همه افسرده و غمگین دنبال پناه‌گاه موقتی می‌گشتند. اگر از هر کدام جویای احوال می‌شدم، آه جگرسوز را با لبخند ملالت بار تقدیم می‌کردند، می‌گفتند: هیچ پرسان نکو .

کلمه پرسان نکو توده‌ها حکایت از نابرابری و رفتار غیر انسانی نسبت به توده‌های بلا دیده می‌نمود، که در کشور اشغال شده توسط امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا بر مردم این سرزمین تحمیل گردیده است.

در این جنگ ارتجاعی داخلی نخستین قربانی این جنگ توده‌های ستم‌دیده اند که بیش‌ترین آسیب را می‌بینند و مزدوران جنگ همه کمر برای زجر دادن توده‌ها بسته‌اند .

در جنگ ارتجاعی داخلی - استخبارتی کنونی فقط توده‌های ستم‌دیده و بی‌دفاع کشور اند که قربانی می‌شوند و زندگی نکبت‌بارشان را از دست می‌دهند، آواره می‌شوند و برای نجات از مرگ حتمی به سنگ و چوب، کوه و دره‌ها، جاده و ناهموار و وادی‌ها پناه می‌برند. در این جنگ خانمان‌سوز حتی عقده‌های شخصی نیز دخیل است: کسی به نام حکیم شجاعی از باشندگان ولسوالی مالستان و یکی از سربازان سابقه حزب اسلامی گلبدین حکمتیار با چند نفر برای بدست آوردن پول از نیروی اشغال‌گر استرالیای مستقر در ولایت ارزگان چند پوسته امنیتی را به صورت پیمان‌کاری می‌گیرد. این مزدور، دست به آزار و اذیت توده‌های این منطقه می‌زند. توده‌ها مجبور می‌شوند که برای انتقام دست به طرف گروه ارتجاعی طالبان دراز کنند. بعد از تسخیر جغرافیای ارزگان این گروه خشن به طرف ولسوالی مالستان رو می‌آورند. آن‌ها با استفاده از این فرصت برای انتقام گرفتن بالای قبیله شجاعی حمله می‌کنند. در این حمله تعداد زیادی از مردم

بی‌دفاع توسط طالبان به رگ‌بار بسته شده و سر بریده شدند. دو نفر بی‌گناه که اصلاً دکان‌دار بودند به صورت فجیع در مرکز ولسوالی مالستان به رگ‌بار بسته می‌شوند. یک نفر کودک 16 ساله در منطقه پشی ولسوالی مالستان به صورت وحشت‌ناکی سر بریده می‌شود و یک نفر بنام اکبری چشمانش را از حدقه بیرون کرده اند .

چندین خانه در روستاهای پشی مالستان نخست غارت شده بعد طعمه حریق گردیده است. خانه‌های مردم به صورت بسیار دقیق بدون اجازه صاحب خانه، مورد بازرسی قرار گرفته است. اکنون بسیاری این مردم به خاطر ترس از کشته شدن به خانه‌های خود برگشته نمی‌توانند و سرگردان در مساجد و کنار جاده‌های خاکی، حتی در دره‌ها و قله‌های کوه‌ها شب را سحر و روزها را شب می‌نمایند.

راه‌های مواصلاتی به دیگر شهرها از طرف طالبان بر روی ولسوالی‌های جاغوری و مالستان مسدود شده است. این مردم بی‌دفاع میان دو نیروی خشن و مزدور قربانی می‌شوند. مواد غذایی و عبور مرور افراد در مراکز شهرها و دست یافتن به جاده‌های اصلی بر روی مردم مسدود است. حتی مریضان از عدم دسترسی به دارو و درمان جان‌های خود را در این دو ولسوالی به صورت معصومانه از دست می‌دهند. در این دو ولسوالی وضعیت بسیار تکان دهنده است .

توده‌های مظلوم و ستم‌دیده‌ی افغانستان!

یگانه راه نجات مردم زحمت‌کش افغانستان این است که در مقابل هر دو نیروی ارتجاعی شامل در جنگ نه بگوئید و هوشیارانه برای بر پایی و پیش‌برد مقاومت ملی مردمی و انقلابی تدارک ببینید. زیرا بدون مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی و سرنگونی رژیم دست‌نشانده و بیرون راندن تمامی نیروهای خارجی اشغال‌گر از کشور، رهایی از این مصیبت غیر ممکن است. پس بی‌آید دست به دست هم داده تحت رهبری پیش‌آهنگ طبقه کارگر به مقاومت همه جانبه ملی مردمی انقلابی به پردازیم. با پیش‌رفت این مقاومت و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین تا محو تمامی اشکال ستم به پیش حرکت کنیم. در چنین حالتی است که می‌توان بساط ظلم و ستم را از جامعه ریشه کن نمود، در غیر آن همان آش است و همان کاسه.

به پیش در راه بر پایی و پیش‌برد مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی

مرگ بر اشغال‌گران

مرگ بر نیروهای ارتجاعی

زنده باد آزادی